

بررسی عوامل خاموشی فطرت از منظر قرآن

مرضیه غفوری^۱

چکیده

پایه‌نامه تعالی: [a1] Commented
پاتشکر از زحمات محقق ارجمند
تعداد کلمات چکیده بیشتر از استاندارد است.

فطرت امری تکوینی و کشتی درونی به سمت صراط مستقیم است که خداوند در وجود آدمی نهاده؛ این ودیعه الهی، می‌تواند زمینه حرکت انسان به سمت رشد و کمال را فراهم کند، اما از طرفی انسان‌هایی هستند که مسیری برخلاف فطرت خویش برمی‌گزینند و به گناه روی آورده، گرفتار تباهی می‌شوند؛ لذا علت این تعارض ظاهری (هدایت فطری و درونی از یک سو، گناه کردن از سوی دیگر)، را باید فهمید. هدف پژوهش حاضر آنست که با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی مفهوم فطرت، به بررسی عوامل خاموشی فطرت، از منظر آیات قرآن بپردازد و تبیین کند چه اتفاقی برای انسان دارای فطرت می‌افتد که وی، به گناه آلوده می‌شود. حاصل آنکه عوامل خاموشی فطرت را می‌توان به دو بخش کلی فردی و اجتماعی تقسیم نمود؛ عوامل فردی خاموشی فطرت عبارت است از: نسیان، جهل، غفلت، کبر و خودبینی، پیروی از وسوسه‌های شیطان، گناه و زنگار دل، لقمه حرام، تکیه بر ظن و گمان، پیروی از هوای نفس، دنیا پرستی؛ عوامل اجتماعی خاموشی فطرت نیز عبارت است از: خانواده، دوست ناباب، پیروی نسنجیده از اکثریت ناآگاه، شخصیت گرایی، محیط گناه آلود، ترک امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغات همراه کننده.

سوال در چکیده مرسوم نیست. [a2] Commented

واژگان کلیدی: انحراف، خاموشی فطرت، گمراهی

واژه نوشته شود، نه جمله: [a3] Commented

۱. دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه سیدالشهداء (ع) اصفهان، (marziye4477@gmail.com)

مقدمه

خداوند متعال انسان را برای عبادت آفریده و چون خالق حکیم است لوازم آن را نیز در اختیارش قرار داده؛ خداوند در اولین گام برای رساندن انسان به این هدف، «فطرت»، یعنی همان گرایش به خیرات و خوبی ها را در وجود وی به ودیعت نهاد، اما با وجود نعمت مهمی به نام فطرت که می بایست انسان را به راه درست و کارهای نیک سوق دهد و از بدی ها و زشتی ها بازدارد، گاهی انسان هایی دیده می شوند که به بدی ها گرایش پیدا میکنند و گمراه می شوند؛ همانطور که می دانیم عوامل بسیاری سبب گمراهی انسان می شود اما از این میان، فراموشی فطرت را یکی از کلیدی ترین علل انحراف انسان می توان به شمار آورد، زیرا عدم توجه به فطرت و یا زنگار گرفتن آن، زمینه ساز بروز عوامل دیگر انحراف میشود، لذا پرداختن به عوامل خاموشی فطرت ضروری می نماید، از طرفی با توجه به نقش بی بدیل فطرت در سعادت و آینده بشر، انسان باید بداند که سبب خاموشی فطرت چیست تا برای محافظت از فطرت خویش از آن حذر کند و بتواند به سعادت برسد، لذا پرداختن به این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، از همین رو پژوهش حاضر ابتدا تعریف جامعی از فطرت ارائه نموده و سپس به این سوال پاسخ می دهد که "چه عواملی باعث خاموشی فطرت می شود؟" لازم به ذکر است در موضوع فطرت، کتب و مقالات گوناگونی به رشته تحریر درآمده، که اکثر آنها به اثبات فطرت و کارایی های آن پرداخته اند، اما از این میان مقاله «فطرت در آیات و روایات» به قلم «نجمه درودی» و «حسن ملکی» به عوامل خاموشی فطرت نیز پرداخته است، اما برخلاف مقاله حاضر تنها بخش کوچکی از مقاله خود را به بحث موانع شکوفایی فطرت اختصاص داده که در همان بخش اندک هم از آیات قرآن بهره نبرده و بخش اصلی تحقیق خود را به انواع فطرت و انواع گرایش های فطری و مباحثی از این دست اختصاص داده، مقاله «عوامل خاموشی فطرت از منظر قرآن کریم» به قلم «علی عارفی مسکونی» و «فاطمه درویشی بیاضی» نیز با موضوع مقاله حاضر نگاشته شده ولی در بخش هایی از مقاله از روایات و نهج البلاغه نیز بهره گرفته است و در نتیجه یازده علت برای خاموشی فطرت برشمرده، همچنین در بخشی از مقاله به عوامل احیای فطرت نیز پرداخته است، این در حالیست که مقاله حاضر به صورت اختصاصی عوامل خاموشی فطرت از منظر قرآن را بررسی نموده و آنها را ذیل دو دسته کلی عوامل فردی و اجتماعی ارائه کرده است و از آوردن مطالب غیرمرتبط پرهیز نموده است، امتیاز مقاله حاضر اینست که شش علت جدید را برای خاموشی فطرت از آیات قرآن استخراج نموده که مقاله فوق بدان نپرداخته است.

(۱) مفهوم شناسی

فطرت:

فطرت در لغت: فطرت بر وزن فَعَلَّةُ از ماده (ف، ط، ر) است. «فطر» در عربی به معنی شکافتن و آفریدن ابتدائی و بدون سابقه، آمده است.^۱ راغب معتقد است «فطر» به معنای شکافته شدن از طول است.^۲

همچنین برخی گفته اند الْفِطْرَةُ - جمع «فِطْر» است به معنی صفت طبیعی هر موجودی در آغاز خلقت و آفرینش. فیومی نیز معتقد است که «فطرت» برای بیان حالت فعل و به معنی طبیعت و خلقت خاص است.^۴ فطرت در اصطلاح: «فطرت» به گونه خاصی از آفرینش دلالت می کند؛ یعنی طبق این آفرینش خاص، انسان به سوی شیوه خاصی از زندگی با غایتی مشخص گرایش داشته و به سمت آن هدایت شده است؛ مراد از این شیوه خاص، همان دین الهی است.^۵

(۲) فطرت در قرآن

در قرآن، لغت «فطرت» در مورد انسان و رابطه او با دین آمده است؛ بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند برای رساندن انسان به کمال، نیرویی درونی به نام «فطرت» را در نهاد وی قرار داده و در این زمینه می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند!)^۶ این آیه در حقیقت اشاره‌ای از خدای تعالی است به آنچه که ابداع نموده و آفریده و همچنین آنچه که در وجود مردم از گرایش به شناخت خدای تعالی قرار داده است.^۷

خداوند، جهانیان را بر اساس یکتا پرستی و دین اسلام خلق کرده تا بسوی او رفته و خداپرست باشند؛ از ابی مسلم نقل شده که معنای آیه فوق چنین است: پیروی کن از دین، به آنچه «فطرت خدا» تو را به آن راهنمایی

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۶۴۰

۳. مهیار، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی، ص ۶۶۷

۴. فیومی، المصباح المنیر، ص ۴۷۶

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۸۶

۶. روم، ۳۰

۷. خسروی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۷۲

میکند، زیرا خداوند موجودات را به نحوی آفریده و ترکیب و صورت بندی نموده که بر وجود صانعی توانا، دانا، حی، قیوم و قدیم و یگانه‌ای که به هیچ چیز شبیه نبوده و چیزی همانند او نیست، دلالت دارد.^۱

شهید مطهری نیز منظور آیه فوق را اینگونه بیان می‌کند: «این کلمه‌ای که امروز می‌گویند "ویژگیهای انسان"، اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگیها در اصل خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می‌دهد. فطرت انسان یعنی ویژگیهایی در اصل خلقت و آفرینش انسان.»^۲ امام خمینی هم «فطرت» را به حالت و هیئتی که خداوند خلق را بر آن قرار داده و لازمه وجود آنهاست، تفسیر می‌کند.^۳

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس)^۴

«هدایت» در اینجا معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم «هدایت تکوینی» را شامل می‌شود و هم «هدایت فطری» و هم «تشریعی» را؛ توضیح اینکه از آنجا که خداوند انسان را برای هدف «ابتلاء و امتحان» و تکامل آفریده است، مقدمات وصول به این هدف را در وجود او آفریده، و نیروهای لازم را به او بخشیده که این همان «هدایت تکوینی» است، سپس در اعماق فطرتش عشق به پیمودن این راه را قرار داده، و از طریق الهامات فطری مسیر را به او نشان داده، و از این نظر «هدایت فطری» نموده و از سوی دیگر، رهبران آسمانی و انبیای بزرگ را به تعلیمات و قوانین روشن برای ارائه طریق مبعوث کرده، و به وسیله آنها «هدایت تشریعی» فرموده است،^۵ که البته مقاله حاضر فقط به بحث هدایت فطری و عوامل خاموشی آن اختصاص دارد و به دو مورد دیگر نمی‌پردازد.

۳) عوامل خاموشی فطرت از منظر قرآن

همانگونه که بیان شد انسان دارای هدایت فطری می‌باشد لذا قاعدتا نباید به گناه کشیده شود اما یکسری عوامل هستند که سد راه فطرت می‌شوند و نه تنها می‌توانند جلوی شکوفا شدن فطرت را بگیرند بلکه گاهی آنقدر قدرت می‌یابند که فطرت شکوفا شده را نیز به خاموشی می‌کشانند و فرد را وارد وادی انحراف می‌کنند؛ در بخشی از آیات قرآن این عوامل معرفی شده‌اند؛ مقاله حاضر در ادامه، عوامل مذکور را ذیل دو عنوان کلی "عوامل فردی" و "عوامل اجتماعی" بررسی می‌نماید.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۷۴

۲. مطهری، فطرت، ص ۱۹

۳. خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۸۰

۴. انسان، ۳

۵. مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۶-۳۳۷

۳-۱) عوامل فردی

۳-۱-۱) نسیان

نسیان که از ماده «نسی» است در لغت به معنای از یاد بردن و فراموش کردن چیزی است که قبلاً در ذهن بوده؛ طبق این معنا، نسیان ضد ذکر و حفظ می‌باشد. برای نسیان چند معنای مجازی نیز ذکر کرده‌اند؛ از جمله: «بی‌اعتنائی» و «ترک کردن»^۴ که در کلام عرب استعمال نسیان در معنای اخیر شایع است.^۵ در قرآن کریم هم غالباً نسیان، مجازاً در معنای اعراض و بی‌اعتنائی استعمال شده است.^۵ قرآن در این باره می‌فرماید: «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (می‌فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!»)^۶

نسیان عمدی و اعراض از یاد خدا، یکی از عواملی است که سبب خاموشی چراغ فطرت می‌شود و سرنوشت بدی را برای انسان رقم خواهد زد.

قرآن پس از بیان عاقبت شوم اعراض از یاد خدا در زندگی دنیوی، در آیه مورد بحث اضافه می‌کند که ما چنین شخصی را در قیامت کور و نابینا محسور می‌کنیم؛ یعنی وقتی از قبر برانگیخته می‌شود به صورت نابینا برمی‌خیزد و چشم او هیچ جایی را نمی‌بیند، او لب به اعتراض می‌گشاید و می‌گوید: خدایا، چرا مرا نابینا محسور کردی در حالی که من در دنیا بینا بودم؟ و خطاب می‌رسد که این چنین است که در دنیا آیات ما به تو رسید و تو آنها را فراموش کردی و اکنون نیز تو فراموش می‌شوی؛ منظور از فراموش کردن آیات خدا، بی‌اعتنائی و عناد در برابر آنهاست، یعنی آن چنان آیات الهی را کوچک و بی‌اهمیت می‌شمارد که گویا آنها را از یاد می‌برد و منظور از فراموش شدن در آخرت، بی‌توجهی خداوند به این اشخاص و بریده شدن رحمت و عنایت الهی از آنان است که سبب می‌شود آنها به صورت نابینا محسور شوند.^۷

۳-۱-۲) جهل

۱. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۳۰۴

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۲۲

۳. زمخشری، اساس البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۸

۴. ابن عاشور، التحرير والتنوير، ج ۷، ص ۲۲۶

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۸۹

۶. طاهرا، ۱۲۶

۷. جعفری، کوثر، ج ۶، ص ۶۱۶

محیط در موارد زیادی منشأ مفاسد و بدبختی‌ها، یا سرچشمه‌ی صلاح و پاکی است؛ از این رو محیط و اصلاح آن در اسلام فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفته است.^۱

۳-۲-۶) ترک امر به معروف و نهی از منکر

معروف، همان چیزی است که عقل و قرآن و روایات آن را به رسمیت می‌شناسند، و منکر امری است که بر خلاف عقل و قرآن و روایات باشد.^۲

بر اساس تعالیم قرآن و عترت، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلم بلکه از واجب‌ترین واجبات می‌باشد که احیای آن سبب پویایی و برپایی احکام الهی و ترک آن سبب نقص هدایت و مایه گرفتاری در ضلالت است.^۳

لذا در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر جاری نباشد، زشتی‌ها مجال‌ی برای خودنمایی خواهند یافت چرا که هیچ یک از افراد جامعه خود را نسبت به آن مسئول نمی‌داند و برای اصلاح جامعه گامی برنمی‌دارد، و در چنین جامعه‌ای روز به روز فطرت‌ها رو به خاموشی می‌رود.^۴

قرآن درباره لزوم امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند).^۵

در آیه مورد بحث دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند، مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند، و از بدی‌ها باز دارند. و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است.^۶

۳-۲-۷) تبلیغات گمراه کننده

تبلیغات گمراه کننده نیز یکی از عواملی است که چراغ فطرت را رو به خاموشی میبرد و چشم قلب را می‌بندد، این مسأله در عصر و زمان ما واضح‌تر از آن است که نیاز به بحث و گفتگو داشته باشد و در گذشته نیز چندان مخفی نبوده است.^۷

۱. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۷، ص ۲۲۵

۲. جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۷۰۸

۳. همان، امام مهدی (عج) موجود موعود، ص ۱۵۷

۴. مقدم نیا، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۴۷

۵. آل عمران، ۱۰۴

۶. مکارم شیرازی، نمونه، ج ۳، ص ۳۵

۷. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۹۸

قرآن کریم در این باره ماجرای بنی اسرائیل و گوساله سامری را بیان می کند و می فرماید: «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ فَأُخْرِجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ» (فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!» موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟» گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد...؛ و برای آنان مجسمه گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد؛ و (به یکدیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود).^۱

ماجرا این بود که سامری، زر و زیورآلات بنی اسرائیل را جمع آوری نمود و از آن بتی ساخت به شکل گوساله و بنی اسرائیل را قانع کرد که خدای شما و موسی این گوساله است! آنچه قابل توجه است اینکه منحرف ساختن یک گروه عظیم (یعنی اکثریت بنی اسرائیل که طبق نقل بعضی از مفسران ششصد هزار نفر بودند) از مسیر توحید خالص به شرک و کفر و بت پرستی، مطلب ساده‌ای نیست، ابتدا باید فطرت این گروه را خاموش ساخت، قدرت تشخیص را از آنان گرفت و سپس ایشان را به گوساله پرستی دعوت نمود.^۲

قرائنی که در آیات مربوط به این ماجرا در سوره های قرآن آمده، نشان می دهد که سامری از تبلیغات خاصی برای دزدیدن افکار مردم و شستشوی مغزی آنان استفاده کرد، به گونه ای که حجابی بر عقل و فطرت جمعیت افتاد و آنها کم کم باور کردند این گوساله خدای موسی است! جالب اینکه در آیه فوق می خوانیم که این سخن را تنها سامری نگفت، بلکه بنی اسرائیل نیز با او همصدا شدند که "این خدای بنی اسرائیل و موسی است" (تعبیر به «قالوا» گواه بر این مطلب است).^۳

در دنیای امروز نیز قدرت تبلیغات به قدری زیاد است که حتی افراد با سواد و نسبتاً آگاه نیز گاهی توسط آنها تسخیر می شوند و تحت تاثیر رسانه ها و تبلیغات آن، وادار به انجام کارها و پذیرفتن آراء مورد نظر گردانندگان این رسانه ها میشوند.^۴

۱. طها، ۸۵-۸۸

۲. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۹۰

۳. همان، ص ۳۹۰-۳۹۱

۴. همان، ص ۴۰۰

نتیجه گیری

در تحقیق حاضر که با عنوان «بررسی عوامل خاموشی فطرت از منظر قرآن» ارائه شد، سعی بر آن بود که انسان به فطرت خویش بیشتر اهمیت بدهد و بداند که فراموشی فطرت، باعث ورود فرد به وادی تباهی و شقاوت می گردد و از طرفی با عواملی که خاموشی فطرت را رقم می زنند آشنا شده، برای استمرار هدایت فطری، از آن عوامل حذر کند، چرا که وجود این عوامل در سبک زندگی و گرایشات انسان، سبب سوق دادن وی به مسیر انحراف و تباهی می شود؛ معرفت نسبت به این موضوع چنان ضروری می نمود که ما را به نگارش مقاله حاضر و بهره گیری از آیات قرآن در این زمینه، واداشت. باتوجه به مطالبی که در این مقاله بیان شد، عوامل خاموشی فطرت را به دو دسته کلی می توان تقسیم نمود: عوامل فردی، عوامل اجتماعی؛ عوامل فردی فراموشی فطرت، ده مورد است: ۱- نسیان: وقتی شخص از روی بی اعتنائی از یاد خدا اعراض کند، وارد مسیر گمراهی شده. ۲- جهل: حالتی که انسان در آن، به عاقبت کار خود نمی اندیشد و نافرمانی خدا می کند. ۳- غفلت: وقتی انسان از ابزارهای هدایتی که خداوند در اختیارش قرار داده بهره نمبرد و گمراه می شود. ۴- کبر و خودبینی: وقتی انسان خودنمایی کند و دیگران را خوار و بی ارزش بداند، از حق و آیات الهی نیز روی بر می تابد. ۵- پیروی از وسوسه های شیطان ۶- گناه و زنگار گرفتن دل: گناه قساوت قلب می آورد و قلبی که دارای قساوت باشد، از یاد خدا دور است ۷- لقمه حرام: در بعد معرفتی، مانع تشخیص حق، در بعد قلبی و روحی باعث ایستادن در برابر حق و در بعد رفتاری سبب پیش رفتن تا سرحد بدی ها می شود. ۸- تکیه بر ظن و گمان: در حوزه عقاید نباید از حدس و گمان پیروی کرد زیرا ملاک، راه قرآن و اولیاءالله است. ۹- پیروی از هوای نفس: این عامل را مهمترین علت خاموشی فطرت می توان به حساب آورد زیرا پیروی از هوای نفس، انسان را به تدریج به حیوانی درنده و شکم پرست تبدیل می کند که قادر است جهانی را به تباهی و فساد بکشانند ۱۰- دنیا پرستی: حب دنیا موجب فراموشی یاد خدا و حتی گردن کشی در مقابل خدا می شود. عوامل اجتماعی خاموشی فطرت نیز هفت مورد می باشد: ۱- خانواده: با توجه به تاثیر عمیق خانواده بر اعضای آن، اگر خانواده سالم نباشد، افراد به گناه و فساد روی می آورند ۲- دوست ناباب: دوست ناباب همان شیطان انسی است که فرد به وی اعتماد می کند و تحت تاثیر آن، به گناه گرفتار می شود ۳- پیروی از اکثریت ناآگاه: صرف اینکه اکثریت، یک عملی را انجام دهند یا از امری پیروی کنند، دلیل بر درست بودن و حقانیت آن نیست لذا پیروی کورکورانه از اکثریت، انسان را گمراه می کند ۴- شخصیت گرایی: پیروی بی چون و چرا از شخصیت های معروف و صاحب اسم، عقل و خرد انسان را از کار انداخته و چه بسا منجر به تباهی شود ۵- محیط گناه آلود ۶- ترک امر به معروف و نهی از منکر: ترک این فریضه و بی توجهی افراد، به مفاسدی که در جامعه شکل میگیرد، تدریجا سبب عادی سازی گناه و سرانجام، تباهی و گمراهی یک اجتماع می شود ۷- تبلیغات گمراه کننده: قدرت تبلیغات به قدری زیاد است که حتی افراد با سواد و نسبتا آگاه نیز فریب تبلیغات گمراه کننده را می خورند و به راه باطل مد نظر آن تبلیغات گرایش پیدا می کنند.

منابع

※قرآن کریم (ترجمه: حسین انصاریان)

منابع فارسی:

- (۱) جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- (۲) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- _____، سیره پیامبران در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۹۷ هـ.ش.
- _____، آفاق اندیشه، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۹۱ هـ.ش.
- _____، شمیم ولایت، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم، ۱۳۹۲ هـ.ش.
- _____، امام مهدی (عج) موجود موعود، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۸ هـ.ش.
- (۳) خسروی حسینی، غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- (۴) خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- (۵) رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- (۶) مطهری، مرتضی، فطرت، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- _____، آشنایی با قرآن ۱، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهل و هشتم، ۱۳۹۸ هـ.ش.
- (۷) قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- (۸) مدرسی، سید محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- (۹) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- _____، پیام قرآن، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیة، چاپ نهم، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- (۱۰) منتظری، حسینعلی، اسلام دین فطرت، تهران: انتشارات سایه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.

(۱۱) مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی فارسی (ترجمه المنجد الابدی)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش.

منابع عربی:

- (۱) ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنوير، بيروت: نشر مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت: نشر دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- (۳) راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین، مفردات الفاظ قرآن، بيروت: نشر الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- (۴) زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، أساس البلاغة، بيروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- (۵) طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ.ق.
- (۶) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- (۷) فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، قم: موسسه دار الهمجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- (۸) فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بيروت: المکتبه العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.

مقالات:

- (۱) درویشی بیاضی، فاطمه؛ عارفی مسکونی، علی؛ «عوامل خاموشی فطرت از منظر قرآن کریم»، نشریه معرفت، شماره دویست و سی و نه، ۱۳۹۶ هـ.ش.
- (۲) موسوی مبلغ، سید محمد حسین، «شناخت در قرآن از نگاه مطهری»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره هجده، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- (۳) هاشمی علی آبادی، سید احمد، «تحلیل ابعاد تاثیرگذاری لقمه حرام در شخصیت انسان با تاکید بر آیات و روایات»، فصلنامه علمی_پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، شماره چهلیم، ۱۳۹۷ هـ.ش.